

## تجربه زیبایی‌شناسی هنر شهری، تحلیل چهار تجربه در شهر تهران بر اساس نظریه اعتباربخشی جان دیئویی\*

مریم‌السادات منصوری<sup>۱\*</sup> - پریسا شاد قزوینی<sup>۲</sup>

۱. محقق پسادکتری، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران (نویسنده مسئول).  
۲. دانشیار گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۱۱ تاریخ اصلاحات: ۱۳۹۹/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۹/۱۰/۰۲ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۶/۳۱

### چکیده

آمیخته‌شدن هنر با زندگی روزمره مردم، فصل مشترک دغدغه جامعه هنرمندان و مدیریت شهری امروز است. از نخستین دهه‌های قرن بیستم که هنرمندان با تمایلات متفاوت از فضاهای کلاسیک هنری چون آتلیه خارج شده و به آفرینش «هنر شهری» پرداختند، نقش زیباسازانه هنر و تلقی اثر هنری به عنوان ابزاری برای تولید زیبایی در شهر و ارتقاء کیفی منظر شهری پایدار مانده است. فصل مشترک گونه‌های هنرهای شهری، ذات هنر است که با هدف نهایی زیبایی‌آفرینی به میان می‌آید و با قبول این گزاره، می‌توان گفت انواع هنرها در شهر، به دنبال تولید زیبایی برای تحقق مقاصد خود هستند؛ اگرچه این مقاصد ممکن است یگانه نباشد. در یک ارزیابی کلی، به نظر می‌رسد هنر شهری آن‌گاه موفق است و اهداف خود را محقق کرده که نزد مخاطب، به دریافت و ادراکی بینجامد که مولد «تجربه زیبایی‌شناسی» باشد. این تجربه راه، جان دیئویی<sup>۱</sup>، فیلسوف پراگماتیست، محصول فرآیند اعتباربخشی<sup>۲</sup> می‌پندارد و معتقد است هنر، در زندگی انسان، مولد اعتبار است. تهران به عنوان بستر فرهنگ‌ساز کشور، سال‌هاست عرصه آزمون و خطای مداخلاتی است که با داعیه زیباسازی و رویکرد زیبایی‌شناسی در شهر اجرا می‌شود. در نوشتار حاضر، چگونگی تحقق تجربه زیبایی‌شناسی مورد بحث، در قالب تحلیل چهار نمونه منتخب در مداخلات شهر تهران بر اساس معیارها و شاخص‌هایی صورت پذیرفته که مستخرج از روش تحلیل تبیین‌شده در پژوهش است. از نتایج اصلی پژوهش آن است که میزان تحقق معیارهای سه‌گانه محیطی، بصری و اجتماعی بر اساس شاخص‌های تحلیل، تعیین‌کننده کیفیت تجربه زیبایی‌شناسی در نمونه مورد نظر است. با توجه به رابطه فرآیندمحوری که میان اشکال هنر با شهر قائلیم و بر پایه نظریه فرآیند اعتباربخشی جان دیئویی بنا شده، چنین تفسیر می‌شود که کیفیت تجربه زیبایی‌شناسی، هم‌معنای میزان اعتباربخشی مداخلات شهری به منظر شهر است. اگر هنری شهری را مولد تجربه زیبایی‌شناسی در شهر و عنصر اعتباربخش به منظر شهری تلقی کنیم، ارزیابی چگونگی تحقق این تجربه و میزان اعتباربخشی آن در ذهن مخاطب بر اساس چه معیارهایی امکان‌پذیر خواهد بود؟ پژوهش به دنبال روشن کردن برخی ابعاد کاربردی زیبایی‌شناسی شهری است و در این راه، از هنر شهری به عنوان مایه تحلیل و تعمق استفاده می‌کند و در صدد است با تبیین یک روش تحلیل کمی، میزان و چگونگی اثرگذاری هنر شهر را در قالب سه معیار، بر ارتقاء کیفی منظر شهری در ذهن مخاطب قابل ارزیابی گرداند تا بعد کاربردی هنر شهری و اهداف آن تحقق‌پذیرتر باشد. پژوهش، با استناد به سه‌گانه نظری هنر منظر شهری زیبایی‌شناسی، به ارائه تعاریف نظری می‌پردازد که ظرفیت تبیین ابزار تحلیل مداخلات شهری را داراست. با تکیه بر این نظریه‌ها، «معیار»هایی استخراج می‌شود که هر کدام در ظرف «شاخص»هایی، امکان ارزیابی تحقق‌پذیری تجربه زیبایی‌شناسی را در مداخلات شهری دارد. جهت تفهیم واقع‌گرایانه نظریات مطالعه‌شده و شیوه تحلیل مستخرج از آن، چهار نمونه در شهر تهران گزیده شده که از حیث موقعیت و مقیاس و فضا متفاوتند و در چارچوب شیوه تبیین‌شده، تحلیل گشته و تحقق‌پذیری تجربه زیبایی‌شناسی در آن‌ها سنجیده می‌شود.

واژگان کلیدی: هنری شهری، جان دیئویی، تجربه زیبایی‌شناسی، منظر شهری.

\* مقاله در چارچوب پژوهش پسادکتری در دانشگاه الزهراء تهیه شده است.

\*\* E-mail: maryamansouri@gmail.com

## ۱. مقدمه

تهران، در یک سو، به عنوان کلان‌شهری پویا و در تحول مستمر، با موضوع هنر شهری آمیختگی دارد؛ اگرچه کیفیت این آمیختگی محل سؤال و نقد باشد اما میزان کمی آن قابل انکار نیست. مبحث هنر شهری در تهران با چالش‌هایی با ماهیت‌های متنوع و بعضاً متضاد روبروست اما به نظر می‌رسد از سوی مدیریت شهری تلاش شده و می‌شود تا پایتخت ایران به عنوان بستر فرهنگ‌ساز کشور معرفی شود و هنر شهری به مثابه ابزار این فرهنگ‌سازی به کار گرفته شده است.

در سوی دیگر، تغییر اشکال نمایش هنر در قرن بیستم، فراتر از آن که به تغییر بستر فیزیکی عرضه آثار هنری بسنده کند، با استفاده از ظرفیت بعد نمایشی هنر، به شرایط و ویژگی‌هایی از فضاهای شهری، رؤیت‌پذیری و جذابیتی بخشید کرد که تا پیش از آن، لزوماً در چشمان مخاطب دارای معنا نبود (Bouchier 2010, 24).

## ۱-۱- بیان مسئله

تعمق در نقش هنر در مداخلات شهری و منظرین موضوع این پژوهش است؛ به عبارتی، چگونگی مشارکت هنرهای شهری در ارتقاء کیفیت زیبایی‌شناسی شهر. پرسش معطوف به چگونگی ارزیابی و سنجش میزان ارتقاء کیفی یا به قول جان دیووی، اعتباربخشی این آثار به منظر شهری، در چارچوب فرضیه‌ای تحلیل می‌شود که معتقد است این اعتباربخشی، ابعاد زیبایی‌شناسی دارد. فهم این واقعیت که آثار هنری در منظر شهری، آورده‌ی زیبایی‌شناسی دارند، نیازمند تعریف معیارهایی برای سنجش دستاورد یا دستاوردهای مذکور است و با مجموعه‌ای از شاخص‌ها سنجیده می‌شود. نمونه‌های آماری مورد بررسی، چهار مورد مداخله در شهر تهران است که بر اساس تنوع حداکثری در مقیاس، فضا سازی و موقعیت انتخاب شده‌اند.

## ۱-۲- پیشینه پژوهش

در حوزه زیبایی‌شناسی شهری پژوهش‌های متنوعی در ایران انجام شده که در دو دسته‌بندی کلی قابل تمییزند. اولی را می‌توان پژوهش‌های نظریه‌محور تلقی کرد که معطوف به واژه زیبا در بستر فلسفی آن است و به لحاظ پرداختن به ذات هنر، ابعاد فلسفی و مفهومی موضوع تبیین شده اما کم‌تر توانسته با اقدامات عملی مربوط به زیبایی‌شناسی ارتباط مؤثری برقرار کند (از جمله کامیاب ۱۳۹۲؛ شیخ‌الحکمایی ۱۳۹۱؛ جعفری‌ها، انصاری و بمانیان ۱۳۹۵). دومین دسته در سر دیگر طیف قرار دارد و عبارت است از پژوهش‌های مبتنی بر تجربه و خصوصاً تقلید از تجربیات کشورهای خارجی. این پژوهش‌ها اصل را بر یافتن ابزار و معیارهایی می‌گذارد که به زعم خود، آفریننده زیبایی در شهر است و می‌تواند منشأ

زیبایی‌شناسی شهری باشد (شکوری ۱۳۹۶؛ کریمی‌مشاور ۱۳۹۲؛ کفشچیان مقدم ۱۳۹۷؛ منوی ۱۳۹۷). آن چه در این دو دسته مغفول مانده، پیوند این دو منتهاالیه طیف است؛ به عبارتی، نزدیکی مفاهیم نظری به عرصه عملیاتی که در این پژوهش، مداخلات زیبایی‌شناسی در شهر مدنظر است و تجربیات و دریافت شهروندان به عنوان مخاطب.

## ۲. مبانی نظری

موضوع آمیخته‌شدن هنر با زندگی عمومی شهروندان، مبحثی است که محل تلاقی تفکرات جامعه هنرمند، سیاست‌گذاران شهری، نظریه‌پردازان و حتی سیاست‌مداران امروز گشته است. اثرگذاری هنر و تفکرات هنرمندان بر جوامع همواره جریان‌ساز بوده و توانسته به انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های گروه‌های مردم جهت‌دهی کند. از همین رو، تحولات ناشی از این برهم‌کنش‌ها، بعضاً به مثابه دستاورد و بعضاً، تخریب‌گر تلقی شده است. ایجاد درک صحیح از این موضوع و ارائه تعاریف علمی و علم‌محور، نقطه شروعی به سوی استفاده صحیح و سازنده از تعامل هنر و اجتماع خواهد بود. در تحقیق حاضر، مباحث «هنر شهری»، «منظر شهری» و «تجربه زیبایی‌شناسی» تشکیل‌دهنده اضلاع تعاریف مذکور است.

## ۲-۱- هنر شهری

آوردن هنر در تجربه روزانه زندگی شهری را به جای ترغیب مردم به تماشای هنر در موزه‌ها و گالری‌ها، شاید بتوان بزرگ‌ترین تحول حوزه هنر در ارتباط با شهر در قرن بیستم پنداشت. جریان خروج هنر از آتلیه و گالری و ورود آن به شهر، به دنبال میل به تعامل با شهروندان و آمیختگی با جریان زندگی شهری اتفاق افتاد. این جریان، منشأ تولد گونه‌هایی از هنر بود که امروزه با اصطلاح کلی هنر شهری شناخته می‌شود. نکته‌ای که باید به آن توجه شود این است که آثار هنری، به صرف حضور در فضای شهری اعم از فضای عمومی، فضای جمعی، معابر، پل‌های سواره و پیاده و سایر فضاها، «هنر شهری» نمی‌شوند. به طور کلی، هنر شهری، به خاطر تلقی نادرست از چیستی آن، به اُبژه‌ای صرف تقلیل یافته که نقش آن، تزئین شهر و بعضاً رسیدگی به اغتشاشات بصری سیمای آن است. همین تلقی نادرست موجب شده تا آثار هنر شهری به جای آن که به عنوان جزئی از منظر شهر ایفای نقش کنند، تنها از تکنیک‌های هنری و امکان حضور در فضای شهری بهره گرفته و هدف، کارکرد و معنای آن‌ها نسبتی با هویت شهری بودن آن‌ها برقرار نکرده باشد (عادلوند و دیگران ۱۳۹۵، ۴۲-۴۱). هنر شهری ذاتاً پدیده‌ای مخاطب‌محور معرفی می‌شود و منظور از این مخاطبین، جامعه شهروندان است. لذا، اثر هنری به مجرد دستیابی به صفات ظاهری اثر هنری مقبول و مطلوب، نمی‌تواند با قرارگیری در شهر، «هنر شهری» تلقی شود زیرا پدیده‌ای

اثرگذاری گونه‌های مختلف ظهور هنر در شهر از جمله نقاشی دیواری، مجسمه، نورپردازی، گرافیتی، رویداد هنری، و غیره بر منظر شهری که در سخن پژوهشگران این حوزه با عبارات «سازگاری با فرهنگ عمومی جامعه و مشارکت در تقویت آن»، «زنده نگه داشتن حافظه تاریخی و ملی»، «نهادینه‌سازی ارزش‌های و آرمان‌ها»، «هویت‌دهی به شهر» یا «افزودن کیفیت‌هایی به منظر شهری» بیان شده، نیازمند سنجیدن و ارزیابی است. اگر گفته‌های پژوهش‌گران را از نقطه‌نظر زیبایی‌شناسی شهری تفسیر و برگردان کنیم، هنرهای شهری را عهده‌دار مسئولیتی خواهیم دید که تاکنون به ندرت به آن پرداخته شده و پژوهش‌ها اغلب معطوف به تفسیر محتوای آثار بوده است. گونه‌های هنر در شهر را اگر از عناصر تشکیل‌دهنده «منظر شهری» بدانیم، می‌بایست در ارتقاء کیفیت آن مؤثر بوده و بتواند به نحوی به آن اعتبار بخشد.

## ۲-۲- منظر شهری

منظر شهری اصطلاحی است که اواخر قرن نوزدهم به دنبال انقلاب صنعتی و پدیدار شدن منظرهای جدید، با هدف سوق دادن توجه به اهمیت و غنای شهرهای تاریخی پدیدار شد. از زمان پدید آمدن‌اش تا کنون یعنی طی یک‌ونیم قرن، این اصطلاح دستخوش تحولات مفهومی بوده است و از حوزه ماده وارد حوزه معنا گردید (آتشین‌بار ۱۳۹۲، ۹۰). منظر شهری بر مجموعه‌ای از اشکال حاوی معنا دلالت دارد که از سلسله‌مراتب مشخصی پیروی کرده و بر همین اساس، این شکل معناها، علائمی را منتقل می‌کنند که نزد همگان، به یک صورت دریافت نمی‌شود (Rimbert 1973, 16). تحولات مفهومی این اصطلاح از سال‌های ۱۸۸۰ نزد متخصصین ایتالیایی تاریخ هنر تا نیمه قرن بیستم با آثار کامیلو سیتته<sup>۵</sup>، کوین لینچ<sup>۶</sup> و گوردون کالن<sup>۷</sup> و سپس تا اواخر قرن اگرچه حکایت از رویکردها و معانی و فهم متفاوتی دارد اما پیوند آن با مبحث زیبایی‌شناسی انکارناپذیر است. منظر شهری همواره بر نقش زیبایی‌شناسی در شهرها تاکید داشته است (Jausseley 1930, IX). در دهه‌های متاخرتر (از ۱۹۹۰)، شاهد جنبشی هستیم که جهش مفهومی قابل توجهی در ابعاد منظر شهری محسوب می‌شود و این اصطلاح را فراتر از داده‌های بصری جهان اطراف ما پنداشته و در رابطه تنگاتنگ با ذهنیت ناظر می‌داند (Berque 1994, 5). بر اساس این نگاه نو، منظر شهری پدیده‌ای در شهر است که توسط شهروندان و بر اساس تجربه آن‌ها از مکان تولید می‌شود. منظر شهری، صورت شهر نیست بلکه پدیده‌ای پویاست که با شناخت تجربه ساکنان از فضاهای شهر و نمادهای آن شکل می‌گیرد (بیانیه همایش ملی منظر شهری ۱۳۸۹). آگوستن پرک<sup>۸</sup>، جغرافی‌دان و فیلسوف فرانسوی حوزه منظر، منظر شهری را فرآیندی عینی-ذهنی می‌پندارد که نتیجه آن، شکل‌گیری نوعی نگاه نسبت

اساساً شهری است که دریافت مخاطب از آن و چندوچون تعاملش با اثر، نقش بنیادین را در خلق و تفسیر آن ایفا می‌کند. مخاطب هنر شهری برخلاف دیگر آثار هنری که ممکن است تنها برای مخاطب درون ذهن هنرمند خلق شده باشد، نامشخص نیست و حتماً هنرمند باید نسبت به مخاطبان اثرش آگاه باشد؛ مخاطبانی که جامعه شهروندی را تشکیل می‌دهند. لذا کیفیت هنر شهری زمانی پدید می‌آید که شهروندان به عنوان مخاطب، با آثار هنر شهری تعامل کنند. از این رو، اثر، علاوه بر وجه عینی که همان صورت ظاهری است و هنرمند بر اساس تکنیک‌های هنرمندانه آن را خلق می‌کند، باید از وجوه معنایی حاصل از انطباق اثر با ذهن شهروندان نیز بهره‌مند باشد.

در این میان، گروهی از هنرمندان با نگاهی انتقادی به مبحث تغییر بستر عرضه هنر، مدافع این تفکرند که ارزش هنری اثر به مثابه ابژه زیبای خودکفا، تضعیف شده و اثر هنری به خودی خود قدرت‌مند نیست بلکه بستر نمایش و عرضه آن است که میزان تاثیرگذاری آن را بر مخاطب تعیین می‌کند. البته که تغییر و گسترش این بستر، تعدد قابل توجه مخاطبین هنر را به ارمغان آورده اما در کنار آن، دریافت این مخاطبین در مواجهه با اثر هنری، متفاوت از دریافتی است که مخاطب در مواجهه خودخواسته و متمرکز بر اثر هنری در فضای موزه و گالری دارد. این تفاوت دریافت، تغییراتی را در رفتار مخاطب در پی دارد که منتج از ارتباط هنر و بستر آن است. به عبارتی، اشکال فضایی که بستر نمایش هنر شده‌اند و فعالیت‌های بالقوه قابل رخ دادن در آن، دربردارنده ابعادی خواهد بود که بر دریافت مخاطب در ارتباط با هنر مؤثر است و تجربه هنری متمایزی برای او می‌سازد که از پیش تعیین شده نیست، انتخابی نیست، صرفاً هنری نیست.

اما این که هنری شهری می‌تواند با ارائه تصویری ویژه از سیمای شهر، تعاملات مردم را تحت تاثیر قرار داده و به شهر، شخصیت، یکتایی و کیفیت بخشد و در سرزندگی آن نقش به‌سزایی ایفا کرده و به یک «هویت تفسیری و اجتماعی» (عادلوند و دیگران ۱۳۹۵، ۴۰) دست یابد، واقعیتی انکارناپذیر است. اساساً، آثار هنری شهری در ارتباط با فرهنگ غالب جامعه به وجود می‌آیند و این ارتباط چنان تنگاتنگ است که عدم سازگاری یک اثر هنری با فرهنگ عمومی باعث می‌شود مکانیسم ساخت فرهنگ در یک مجموعه شهری و در نهایت در یک کشور مختل شود (اسکندری ۱۳۹۲، ۷۳). فضای شهر می‌تواند به تقویت فرهنگ عمومی و تثبیت آن کمک کند تا جایی که مسیر ارزش‌های فرهنگی یک قوم را ساماندهی و مسیر تحول یک جامعه را نیز جهت‌دهی نماید. از این حیث، هنر به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار برای منظر شهری، می‌بایست هم‌سو با این ارزش‌ها حرکت کند تا به دور از ایجاد مانع، در تحولات جامعه، اثرگذاری رو به جلو داشته باشد.

به مقوله شهر در میان مردم است که با ابزار مختلف چون بازنمایی در نقاشی، عکس، فیلم و تصویرسازی‌های هنرمندانه اتفاق می‌افتد (Berque 2000). منظر شهری ماتریسی است که فضا با ابعاد تاریخی و زیبایی‌شناسی در آن تعریف می‌شود (Sanson 2007, 9).

بر این اساس، می‌توان گفت که منظر شهری مولد تجربه‌ای است که مخاطب (شهروند، گردشگر، ساکن محله و غیره)، با حواس پنج‌گانه خود، از شهر دریافت می‌کند و این دریافت، تنهای جنبه مادی (عینی) ندارد بلکه در ذهن مخاطب پرورده شده، با خاطره، احساس، تداعی و اصولاً ارزش‌گذاری‌های ذهنی او ترکیب می‌شود و بُعدی جدید به این تجربه می‌افزاید. با تکیه بر پیوند مفهوم منظر شهری با مبحث زیبایی‌شناسی، بُعد مذکور دارای ویژگی‌های زیبایی‌شناسی قلمداد می‌شود؛ به همین ترتیب، تجربه منتج از ادراک منظر شهری، تجربه‌ای زیبایی‌شناسی خواهد بود.

## ۲-۳- تجربه زیبایی‌شناسی<sup>۹</sup>

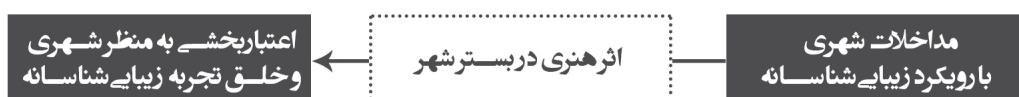
جان دیویی فیلسوف معاصر عمل‌گرای آمریکایی، نظریه‌ای را در رابطه با تجربیات جوامع انسانی از محیط پیرامونی‌شان مطرح می‌کند که بر «تلاش دائمی بشر برای دستیابی به وضعیت مطلوب‌تر» از طریق به‌کارگیری امکانات، ابزار و شیوه‌ها دلالت دارد. این پدیده را که وی، یک «فرآیند» می‌داند، «فرآیند اعتباربخشی» نامیده است. با پذیرش این گفته، اقداماتی را که با رویکرد زیبایی‌شناسی در شهر محقق می‌شوند، اقدامات اعتباربخش به شهر خواهیم دانست و هنرهای شهری از همین جمله است.

نزد پیروان تفکر زیبایی‌شناسی عمل‌گرای<sup>۱۱</sup>، فهم دنیای هنر با فهم دنیایی آغاز می‌شود که حاوی تجربه دائمی است. جان دیویی در کتاب هنر به مثابه تجربه<sup>۱۲</sup> (۱۹۳۴)، مشخصاً به مقابله با «بُعد موزه‌ای هنر» برمی‌خیزد و تلاش می‌کند هنر را، بی‌آن که دچار روزمرگی‌اش کند، با لحظه‌های زندگی پیوند دهد. حفظ جایگاه والای هنر در عین نزدیکی آن به تجربیات روزمره مخاطب، در چارچوب «تجربه زیبایی‌شناسی» قابل تحقق است. دیویی تمرکز را بر تجربه‌ای دارای بعد زیبایی‌شناسی هر روزه می‌گذارد و

مثال مخاطبی را می‌آورد که توجه او به موضوع، موقعیت یا شیئی جلب می‌شود. زیبایی‌شناسی را نباید لزوماً در تاریخ مکاتب هنری جست بلکه در برخی تجربیات عالی انسان‌ها نمودار می‌شود. هدف دیویی از این رویکرد، ایجاد تداوم میان شکل الگوشده و غلیظ‌شده یعنی «اثر هنری» است با اتفاقات هر روزه، اعمال و رنج‌هایی که در جهان، متفق‌القول «تجربه» تلقی می‌شود (Dewey 1989, 9). کیفیت زیبایی‌شناسی «در هر تجربه معمولی، ضمنی است» اما اغلب، «در مرحله آشکار شدن شکست می‌خورد» (Dewey 1989, 18). با این حال، هنگامی که تجربه به اوج بعد زیبایی‌شناسی می‌رسد، مخاطب دریافت روشنی از کیفیت آن دارد. آن تجربه، اگرچه لزوماً لذت‌بخش نیست، اما حاوی معناست و مخاطب، ارزش و اهمیت تجربه‌ای این چنین را دریافت می‌کند (Scott 2014, 34).

اثر هنری آن گاه که پا به بستر شهر می‌گذارد، وارد زندگی مخاطب شده و هنر صرف نیست که مانند نمونه‌هایی که در گالری‌ها به نمایش گذاشته می‌شود، تنها به واسطه محتوای آن دیده، ادراک، ارزیابی و قضاوت شود؛ بلکه عضوی است از مجموعه‌ای وسیع‌تر، جزئی از یک کل که همان منظر شهری است. این عنصر در بطن یک مجموعه نمی‌تواند فارغ از سایر اعضا، دیده، ادراک، ارزیابی و سنجیده شود؛ به قول دیووی، تداوم آن شکل الگوشده نمایشگاهی در تجربیات روزانه مردم است که به منظر شهری اعتبار می‌بخشد. در چارچوب پژوهش حاضر، مسئله، چگونگی ارزیابی و سنجش میزان اعتباربخشی آثار هنر شهری در اشکال گوناگون آن به منظر شهری است با این فرضیه که این مشارکت، ابعاد زیبایی‌شناسی دارد. فهم این واقعیت که این آثار در منظر شهری، آورنده اعتبار زیبایی‌شناسی‌اند، نیازمند تعریف معیارهایی برای سنجش دستاورد یا دستاوردهای مذکور است و با مجموعه‌ای از شاخص‌ها سنجیده می‌شود. بر اساس مبانی نظری پژوهش، اشکال هنر در شهر در رابطه‌ای فرآیندمحور (شکل ۱) با شهر، به سوی اعتباربخشی به منظر شهری میل کرده و در این راه، برای مخاطب، ایجاد تجربه زیبایی‌شناسی می‌نمایند.

شکل ۱: فرآیند اثرگذاری هنر بر منظر شهری



تجربه زیبایی‌شناسی، نیازمند تعریف «شاخص»‌هایی هستیم که در وزنه «معیار»‌هایی، اقدام به اعتباربخشی به منظر شهری می‌کنند. تعدادی از شاخص‌های سنجش کیفیت زیباسازی منظر شهری توسط هنر در ذیل آمده

## ۳. شاخص‌های ارزیابی زیبایی‌شناسی اثر هنری در منظر شهری تهران

برای سنجش میزان و چگونگی فرآیند اعتباربخشی و تولید

موضوع حضورپذیری مخاطب را در فضای اثر مورد سوال قرار می‌دهد. شاخص‌هایی که برای سنجش آن تعریف شده عبارتند از ماهیت فضا، دلیل انتخاب فضا و کاربری فضا. معیار آخر که آن را معیار اجتماعی نامیده‌ایم، مربوط به مخاطب است. هنر شهری چنان که پیش‌تر به تفصیل بیان شد، اقدامی مخاطب‌محور است و اهمیت‌یابی آن، وابسته به برداشت و ادراک و ذهنیتی است که نزد مخاطب بر جای می‌گذارد؛ از این حیث، گروه مخاطبین مورد نظر اثر و نحوه درگیر کردن آن‌ها با موضوع هنر شهری حائز اهمیت است که در شاخص‌های تعریف‌شده سنجیده خواهد شد.

است (جدول ۱). از آن جا که هنر، در وهله اول برای دیده شدن، خلق می‌شود، معیار نخستین موردنظر، معیار بصری خواهد بود و شاخص‌های آن، انواع حالت‌ها و شرایطی است که برای رؤیت‌پذیری اثر در نظر در منظر شهر پیش‌بینی شده. این که نوع دید به اثر هنری مستقیم است یا مخدوش یا فرارگیری آن در پلان اول یا پس‌زمینه از جمله شاخص‌هایی است که برای معیار بصری تعریف می‌شود. از آن جا که سنجش میزان اعتباربخشی هنر در پژوهش حاضر در بستر شهری مورد نظر است، محیط و تجربه فضایی مخاطب اهمیت ویژه دارد. به این ترتیب، معیار دوم معطوف به فضای استقرار اثر هنری است و

جدول ۱: معیارها و شاخص‌های ارزیابی زیبایی‌شناسانه نمونه‌های هنر شهری

معیارها	شاخص‌ها
بصری	- زاویه دید به اثر (دید مستقیم/ دید مخدوش/ دید پنهان) - ترکیب با عناصر پیرامونی (پلان اول/ پس‌زمینه) - نشانه‌ای/ هم‌ارزش با اطراف
محیطی	- انتخاب مکان (موضوعی/ تصادفی/ کارکردی) - نوع فضا (میدان، معبر، تفرجگاه شهری، نقطه عطف و غیره) - فضای مختص اثر/ فضای چندمنظوره
اجتماعی	- سواره/ پیاده/ هر دو - محلی/ گذری/ هر دو/ هدفمند - همگانی/ گروه اجتماعی مشخص

امکان حضورپذیری ضعیف برای مخاطب در فضا است که علی‌رغم طرح شهری آن، شبکه تندروی سواره‌ای که آن را احاطه کرده، دسترسی به فضا را برای مخاطب پیاده دشوار می‌کند. صحنه نمادین و اثرگذاری که در تصویر دیده می‌شود حاصل تلاش عکاس با تجهیزات حرفه‌ای و با هدف سیاسی است. آن چه واقعیت امر است، اما، آن است که رؤیت چنین تصویری برای مخاطب شهری که در ازدحام اتومبیل‌های دور میدان به سر می‌برد که دیدش را مخدوش و کور می‌کنند یا مخاطبی که در خلوتی و اغلب با عجله از دور میدان می‌گذرد تا به مقصد برسد، سخت است (جدول ۲).

#### ۴. تحلیل نمونه‌های منتخب

چهار نمونه مورد در شهر تهران انتخاب شده‌اند که در آن‌ها، تولید تجربه زیبایی‌شناسی بر اساس جدول فوق ارزیابی می‌شود. در انتخاب نمونه‌ها، تلاش شده تا از تکراری شدن تحلیل‌ها پرهیز گردد، به گوناگونی اشکال هنر در شهر توجه شود و جایگاه مخاطب در مواجهه با اثر نیز حداکثر تنوع را دارا باشد. به همین جهت، نمونه‌های در بسترهای شهری متفاوتی دیده شده‌اند شامل میدان ترافیکی، معبر پیاده، ارتباط صرفاً بصری و فضاسازی حداکثری.

#### ۴-۱- نورپردازی مناسبی برج آزادی

برج آزادی به عنوان یکی از عناصر معماری نشانه‌ای شهر برای بیان جهت‌گیری‌های سیاسی (شکل ۲) یا گرامی‌داشت مناسبات ملی از سوی مدیریت شهری شاید بهترین گزینه نباشد و دلیل مهم آن، تأمین نشدن امکان تجربه بصری قوی برای مخاطب است علی‌رغم مداخله زیبایی‌شناسی‌ای که نمایشی از نور و معماری است و اثرگذاری آن بیش از هر چیز، از حیث بصری پیش‌بینی شده. موضوع دیگر،

شکل ۲: نورپردازی برج آزادی برای همدردی با مردم لبنان در پی انفجار مردادماه ۱۳۹۹ در بیروت



(خبرگزاری ایرنا)

جدول ۲: ارزیابی زیبایی‌شناسانه نورپردازی مناسبتی برج آزادی بر اساس معیارها و شاخص‌های تعریف‌شده

معیارها	شاخص‌ها	امتیاز خرد	امتیاز نهایی
بصری	- زاویه دید به اثر (دید مستقیم/ دید مخدوش/ دید پنهان) - ترکیب با عناصر پیرامونی (پلان اول/ پس‌زمینه) - نشانه‌ای/ هم‌ارزش با اطراف	مخدوش پلان اول نشانه‌ای	متوسط
محیطی	- انتخاب مکان (موضوعی/ تصادفی/ کارکردی) - نوع فضا (میدان، معبر، تفرجگاه شهری، نقطه عطف و غیره) - فضای مختص اثر/ فضای چندمنظوره	کارکردی میدان سواره چندمنظوره	ضعیف
اجتماعی	- سواره / پیاده / هر دو - محلی / گذری / هر دو / هدفمند - همگانی / گروه اجتماعی مشخص	سواره گذری همگانی	ضعیف

انتظار، این امکان را فراهم کرده که گروه‌های مختلف اجتماعی در ساعات و همه روزهای سال در فضا حضور داشته باشند. نصب دیوارنگاره موردنظر نیز در محلی محقق شده که از نقاط مختلف گرد میدان هم‌چنین از درون ایوان انتظار قابل رؤیت باشد. از این حیث، مخاطب همواره با جریان جاری در جامعه مواجه می‌شود و در محیطی که رؤیت‌پذیری اثر و حضورپذیری او در آن حداکثری است، امکان ادراک این شکل هنر در شهر و دریافت تجربه زیبایی‌شناسی برای او فراهم می‌شود (جدول ۳).

#### ۴-۲- دیوارنگاره میدان ولی عصر

دیوارنگاره بزرگ میدان ولی عصر که اغلب با موضوعات سیاسی و عقیدتی و بعضاً ملی (شکل ۳) تغییر می‌کند در نقطه‌ای واقع شده که به لحاظ حافظه تاریخی، تنوع کاربری و موقعیت شهری، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد. میدان ولی عصر و مجموعه تازه احداث شده ایوان انتظار اگر مهم‌ترین نقطه تفریحی- خدماتی- ترافیکی شهر نباشد، بدون شک از مهم‌ترین آن‌هاست. کاربری‌های خدماتی و تفریحی و تجاری و اداری در نقطه‌ای که به لحاظ دسترسی تمامی ویژگی‌ها را دارد به خصوص با احداث ایستگاه متروی ولی عصر در طبقه زیری ایوان

شکل ۳: دیوارنگاه میدان ولی عصر به مناسبت شهادت سپهبد قاسم سلیمانی



(خبرگزاری آفتاب)

جدول ۳: ارزیابی زیبایی‌شناسانه دیوارنگاره میدان ولی عصر بر اساس معیارها و شاخص‌های تعریف‌شده

معیارها	شاخص‌ها	امتیاز خرد	امتیاز نهایی
بصری	- زاویه دید به اثر (دید مستقیم/ دید مخدوش/ دید پنهان) - ترکیب با عناصر پیرامونی (پلان اول/ پس‌زمینه) - نشانه‌ای/ هم‌ارزش با اطراف	مستقیم پلان اول نشانه‌ای	قوی
محیطی	- انتخاب مکان (موضوعی/ تضادفی/ کارکردی) - نوع فضا (میدان، معبر، تفرجگاه شهری، نقطه عطف و غیره) - فضای مختص اثر/ فضای چندمنظوره	موضوعی نقطه عطف مختص اثر	قوی
اجتماعی	- سواره / پیاده / هر دو - محلی / گذری / هر دو / هدفمند - همگانی / گروه اجتماعی مشخص	هر دو هر دو همگانی	متوسط

#### ۴-۳- نقاشی دیواری میدان فلسطین

میدان فلسطین به عنوان محل گردهم‌آیی سالانه برای بزرگداشت روز قدس، نقطه مهمی به لحاظ خاطره مشترک سیاسی برای مردم تهران محسوب می‌شود. علی‌رغم این اهمیت، اثر هنری مورد بررسی که بدو در سال ۱۳۶۷ توسط ایرج اسکندری در ضلع جنوب شرقی میدان پدید آمده بود و در سال ۱۳۹۱ مرمت شد، در محلی قرار گرفته که به لحاظ بصری در زاویه دید مناسبی واقع نشده و انواع موانع آن را می‌پوشاند و دیگر آن که به خاطر دو قسمتی بودن نقاشی، بخشی از آن همواره پنهان است و درک کلیت آن را سخت می‌کند مگر برای مخاطب

پیاده‌ای که مسیر را کامل طی کند (شکل ۴). از سوی دیگر، انتخاب چنین موضوعی در چنین نقطه‌ای از پایتخت ایران به عنوان بزرگ‌ترین مخالف اشغال فلسطین، حاکی از انتقال پیامی سیاسی و زیبایی‌شناسی ایدئولوژیک دارد و انتظار می‌رود مخاطب در مواجهه با آن، پیام را درک کرده و تجربه‌ای برای او اتفاق بیفتد که بعد زیبایی‌شناسی آن قوی باشد، حال آن که با توجه به جدول تحلیل بالا، نه تنها تجربه‌ای عادی از رؤیت اثر به سختی رخ می‌دهد بلکه دریافت مورد انتظار نیز دور از ذهن به نظر می‌رسد و این اثر هنری ارزشمند و با محتوای غنی، به صورت رنگ‌آمیزی ساده دیوار شهر عمل می‌کند (جدول ۴).

شکل ۴: نقاشی دیواری میدان فلسطین اثر ایرج اسکندری، پس از بازسازی



(شایان محرابی، آژانس عکس تهران)

جدول ۴: ارزیابی زیبایی‌شناسانه نقاشی دیواری میدان فلسطین بر اساس معیارها و شاخص‌های تعریف‌شده

معیارها	شاخص‌ها	امتیاز خرد	امتیاز نهایی
بصری	- زاویه دید به اثر (دید مستقیم/ دید مخدوش/ دید پنهان) - ترکیب با عناصر پیرامونی (پلان اول/ پس‌زمینه) - نشانه‌ای/ هم‌ارزش با اطراف	پنهان پس‌زمینه هم‌ارزش	ضعیف
محیطی	- انتخاب مکان (موضوعی/ تصادفی/ کارکردی) - نوع فضا (میدان، معبر، تفرجگاه شهری، نقطه عطف و غیره) - فضای مختص اثر/ فضای چندمنظوره	موضوعی میدان چندمنظوره	متوسط
اجتماعی	- سواره/ پیاده/ هر دو - محلی/ گذری/ هر دو/ هدفمند - همگانی/ گروه اجتماعی مشخص	پیاده هر دو همگانی	ضعیف

#### ۴-۴- پل طبیعت

پل طبیعت با قرارگیری میان دو پارک شهری از یک سو و بر روی بزرگراه مدرس از سوی دیگر، به لحاظ معیار اجتماعی تاثیرگذاری حداکثری دارد به این صورت که مخاطبین پارک‌های آب و آتش و طالقانی را جذب می‌کند، با کارکردهای تفرجگاهی که در آن پیش‌بینی شده مخاطبین هدفمند خود را دارد و در مقابل چشمان اتومبیل‌هایی که از بزرگراه می‌گذرند، قد علم کرده است. در کنار این حضورپذیری و رؤیت‌پذیری حداکثری، فضاسازی‌های آن با در نظر گرفتن تنوع فعالیت‌ها (پیاده‌روی، نظاره، عکاسی، گردهم‌آیی)، تجربیات متفاوتی

را برای مخاطبین ممکن می‌سازد که مهم‌ترین آن‌ها را به لحاظ کیفیت زیبایی‌شناسی، می‌توان عکاسی از پل با زمینه شهر تهران و پس‌زمینه کوهستان شمال شهر دانست (شکل ۵). علاوه بر آن، این پل که با انحنا و قوس‌ها و نورپردازی شبانه‌اش، شکل مجسمه شهری دارد، خود، موضوع عکاسی هنری و عکاسی شهری هنرمندان قرار گرفته و به نظر می‌رسد در حال بدل شدن به یکی از نمادهای شهر تهران شده باشد. این پل در ذهن مخاطب سواره بزرگراه یک نشانه است که با رؤیت آن نه تنها موقعیت‌یابی می‌کند بلکه تجربه مشترکی نیز در ذهن او تداعی می‌شود (جدول ۵).



شکل ۵: نمایی از پل طبیعت به سمت پارک آب و آتش و مخاطبینی که به نظاره منظر شهر، عکاسی و پیاده‌روی مشغولند.



جدول ۵: ارزیابی زیبایی‌شناسانه پل طبیعت بر اساس معیارها و شاخص‌های تعریف‌شده

معیارها	شاخص‌ها	امتیاز خرد	امتیاز نهایی
بصری	- زاویه دید به اثر (دید مستقیم/ دید مخدوش/ دید پنهان) - ترکیب با عناصر پیرامونی (پلان اول/ پس‌زمینه) - نشانه‌ای/ هم‌ارزش با اطراف	مستقیم پلان اول نشانه‌ای	قوی
محیطی	- انتخاب مکان (موضوعی/ تصادفی/ کارکردی) - نوع فضا (میدان، معبر، تفرجگاه شهری، نقطه عطف و غیره) - فضای مختص اثر/ فضای چندمنظوره	موضوعی تفرجگاه شهری مختص اثر	قوی
اجتماعی	- سواره / پیاده / هر دو - محلی / گذری / هر دو/ هدفمند - همگانی/ گروه اجتماعی مشخص	هر دو هدفمند همگانی	قوی

## ۵. جمع‌بندی

تحلیل نمونه‌های منتخب بر اساس جدول شاخص‌ها و معیارها و میزان کسب امتیاز آثار هنرهای شهری، نشان‌گر میزان تحقق‌پذیری تجربه زیبایی‌شناسی نزد مخاطب است. این نتایج حکایت از اهمیت بعد مخاطب‌محور و تعاملی هنرهای شهری دارد. برج آزادی به عنوان مثال، علی‌رغم معماری شاخص و سابقه تاریخی آن به عنوان نقطه عطف و عنصر نشانه‌ای و قرارگیری آن در امتداد مهم‌ترین شریان شهر، نتوانسته از لحاظ خلق تجربه زیبایی‌شناسی قوی عمل کند. این ضعف، چنان که از

جدول تحلیلی برمی‌آید، برآمده از عدم تناسب میان شاخص‌های اثر مورد نظر (نورپردازی‌های مناسبی) با زندگی روزمره مردم (گروه مخاطبین و معیار محیطی که حضورپذیری را می‌سنجد) است. بدین ترتیب، نورپردازی برج آزادی علی‌رغم ظرفیت‌هایی که برای آن متصور می‌شود، انتخاب مناسبی از سوی مدیریت شهری در راستای زیباسازی شهر تهران تلقی نمی‌شود. در مقابل، پل طبیعت با روزمرگی شهروندان پیوند خورده و امکان تعامل آن‌ها را با هم، در آن مکان مشخص و با شهر فراهم کرده است. تعامل با شهر از طریق حواس بصری محقق شده و

مخاطب، منظری تکرارشونده، تنوع‌پذیر (شب و روز، اشکال متنوع نورپردازی، میزان مختلف ازدحام بزرگراه) و نمادین (کوهستان پس زمینه و برج میلاد و خط آسمان تهران) را دریافت می‌کند؛ تعامل افراد با هم و با فضا هم تولیدکننده فعالیت‌های همگانی و ترسیم خاطرات مشترک است. این‌ها، ملزومات تولید تجربه زیبایی‌شناسی در ذهن مخاطب است و جداول تحلیلی فوق نشان می‌دهد که این تجربه در پل طبیعت محقق شده است.

## ۶. نتیجه‌گیری

اعتباربخشی هنر به منظر شهری دارای ابعاد زیبایی‌شناسی است.

مداخلات شهری را که با رویکرد زیبایی‌شناسی در شهر محقق می‌شوند، به عنوان اقدامات اعتباربخش به منظر شهری می‌شناسیم. آثار هنری، آن زمان که وارد عرصه شهر شد، به جزئی از منظر شهری بدل می‌شود و نمی‌تواند مستقلاً ارزیابی و فهمیده شود؛ هنر در شهر، بخشی از تجربه روزانه شهروندان است. بنابراین فهم آن، به درک مردم از آن گره می‌خورد. در تحلیل این درک که همان تجربه‌ایست که ابعاد زیبایی‌شناسی دارد، معیارها می‌بایست وجود مختلف تعامل هنر را با مخاطب در نظر گیرد که عبارت است از وجه ملموس (حضورپذیری مخاطب در فضای مختص هنر در شهر)، وجه بصری (رؤیت‌پذیری هنر در شهر) و وجه کارکردی (تعامل و مشارکت مخاطب در ارتباط هنر و شهر).

این وجوه، تبیین‌کننده معیارهای سه‌گانه محیطی، بصری و اجتماعی در تحلیل هنر در منظر شهری است و ابعاد مختلف ارتباط مخاطب با هنر در شهر، تعیین‌کننده میزان ارزش تولیدشده، عمق و یگانگی تجربه زیبایی‌شناسی او خواهد بود؛ چنان که آثار هنری که به نحوی در ارتباط با فضای جمعی کار می‌کنند (معیار محیطی)، از جدول شاخص‌ها امتیاز بیشتری کسب می‌کنند و از لحاظ مؤلفه فضایی، غنی‌تر تلقی می‌شوند و تجربه زیبایی‌شناسی‌ای که در آن‌ها رخ می‌دهد، دارای کیفیت است. هم‌چنین، معیار بصری می‌بایست با رعایت شاخص‌های تعریف‌شده، حداکثر رؤیت‌پذیری را داشته باشد و منظور، تنها دیده‌شدن ظاهر هنر در شهری نیست بلکه رؤیتی معنامند و تفسیرپذیر است و می‌بایست بتواند توسط شاخص‌ها، پیامی در ذهن مخاطب تداعی کند. مجموعه این معیارها در ارتباط تنگاتنگ با معیار اجتماعی قرار دارند که همان اصل تعاملی بودن هنر شهری است که در نخستین خطوط نوشتار به تفصیل آمده است.

در آخر، می‌توان نتیجه گرفت که چندان‌چون تحقق‌پذیری تجربه زیبایی‌شناسی که بر اساس معیارهای سه‌گانه قابل سنجش است، هم‌معنای میزان اعتباربخشی مداخلات شهری به منظر شهر و اعتبار تولید شده در تجربه‌ایست که مخاطب در فضای آن کسب می‌کند. این گفته، نظریه فرآیند اعتباربخشی جان دیویی است که در قالب ادبیات شهری برگردان شده و در حوزه زیبایی‌شناسی شهری راهگشا خواهد بود.

## پی‌نوشت

### 1. John Dewey

### 2. The Valuation Theory

۳. اصطلاح «هنر شهری» در این پژوهش در معنای عام آن به کار رفته و بر تمامی گونه‌های نمایش هنر در شهر دلالت دارد. تقسیم‌بندی «هنر شهری» (urban art)، «هنر عمومی» (public art)، «هنر خیابانی» (street art)، «روداد هنری» (artistic event)، «گرافیک محیطی» (environmental graphics) و سایر اصطلاحات این حوزه، اگرچه مورد توجه و شناخت نگارنده است اما به لحاظ تمرکز پژوهش بر نحوه اثرگذاری هنر [در تمام اشکال آن] بر منظر شهری، نگارنده برای جلوگیری از خلط مبحث، از استفاده از ترکیب‌های متنوع پرهیز کرده است. لذا منظور از هنر شهری یا هنرهای شهری که در نوشتار تکرار می‌شود، انواع شکل‌های نمایش هنر در منظر شهر است. مظاهر هنر در شهرها، مصداق‌های دیگری نیز غیر از هنری شهری دارد؛ از جمله هنر خیابانی و هنر عمومی که در وجوه مختلف از یک‌دیگر متمایز می‌شوند (کارفرمای اثر، هنرمند اثر، هدف اثر، مدت بقای اثر، نوع فضای شهری منتخب برای قرارگیری اثر).

### 4. Objet Esthétique Autonome

### 5. Camillo Sitte

### 6. Kevin Lynch

### 7. Gordon Cullen

### 8. Augustin Berque

۹. معادل واژه Aesthetics در فارسی دارای ابهام است: زیباشناسی و زیبایی‌شناسی توامان استفاده می‌شود بی‌آن که

مبانی نظری این دو تبیین شده باشد. نگارنده در پژوهش‌های خود کوشیده این تفاوت را روشن کند. «زیبایی‌شناسی» (Aesthetics) مطالعه‌ی چیستی در امر زیبا و یک دیسیپلین فلسفی است؛ اقدامی مباحثه‌ای، تحلیلی و مستدل که به روشن‌گری معنایی منتج می‌شود. تفاوت آن با «زیباشناسی» در موضوع مورد مطالعه است که در این دومی، خود امر یا شیء زیبا، مورد مطالعه است و نه چیستی آن و مطالعه‌ای پیمایشی و مبتنی بر نمونه موردی است. «زیبایی‌شناسی» به چرایی امر زیبا می‌پردازد و منشأ و دلیل وجودی زیبایی را در شیء مورد سؤال قرار می‌دهد. فراتر از تعاریف فلسفی زیبایی‌شناسی، متفکران حوزه‌ی شهر و مطالعات فضا، آن را در پیوند تنگاتنگ با درک حسانی انسان از محیط زندگی دانسته و معنادهی به درک انسان از فضا به عنوان نقش زیبایی‌شناسی، نقطه اشتراک تعاریف این واژه است (منصوری، ۱۳۹۴، ۶۴). «زیباسازی» اسم عام و لغتی است که بر پایه اشکال دستور زبان ساخته شده است. زیباسازی، زیباسازنده و ترکیباتی از این دست، نمود مداخلاتی‌ست که [در شهر] با هدف یا رویکرد یا داعیه زیبایی‌شناسی صورت می‌گیرد. اقداماتی چون استقرار آثار هنری، کاشی‌کاری یا تصویرسازی بر جداره بزرگراه‌های شهری، خلق نقاشی دیواری بر ساختمان‌ها، یکسان‌سازی نمای پلاک‌ها در مناطق تاریخی چون خیابان مروی و میدان بهارستان در زمره اقدامات زیباسازی شهری قرار می‌گیرند؛ خصوصاً از این حیث که متولی آن در مدیریت شهری صراحتاً داعیه مداخله با هدف زیباسازی شهر را بیان می‌کند.

۱۰. عمل‌گرایی یا Pragmatism نگرشی فلسفی است مبتنی بر رفتارهای جوامع انسانی و حقیقت قضاوت‌ها و تصورات و تحلیل‌ها و تفسیرهای ذهن انسان را در سودمندی عملی آن برای زندگی انسان‌ها می‌داند. دلیل توجه نگارنده به این رویکرد، اهمیت آن در مبحث زیبایی‌شناسی شهری و موضوع هنر در شهر و تعامل مخاطب با آن است زیرا هنر، ذاتاً مولد زیبایی و ارزش است و از این حیث، برای جامعه انسانی سودمند تلقی می‌شود.

### 11. Pragmatist Aesthetics

### 12. Art as Experience (رجوع شود به منابع)

## فهرست منابع

- آتشین‌بار، محمد. ۱۳۹۲. *خیابان، مطالعه تطبیقی منظر خیابان در تاریخ معاصر تهران*. رساله دکتری، دانشگاه تهران.
- جعفری‌ها، رضا، مجتبی انصاری، و محمدرضا بمانیان. ۱۳۹۵. زیبایی‌شناسی اسلامی و آموزه‌های آن در منظر شهر. *اندیشه معماری (۲)*: ۲: ۱۵-۲۹. [https://at.journals.ikiu.ac.ir/article\\_575\\_66bf738d03a22828c021ba1c0eb12584.pdf](https://at.journals.ikiu.ac.ir/article_575_66bf738d03a22828c021ba1c0eb12584.pdf)
- شکوری، علی. ۱۳۹۶. *زیبایی‌های شمیران، ارزش‌های مکانی، عناصر هویتی*. تهران: سازمان زیباسازی شهر تهران.
- شیخ‌الحکامی، علی. ۱۳۹۱. *خیال و مثال و جمال در عرفان اسلامی*. تهران: مؤسسه تالیف و ترجمه و نشر آثار هنری متن.
- عادلوند، پدیده، اشرف‌السادات موسوی‌لر، و سیدامیر منصوری. ۱۳۹۵. هنر شهری به مثابه پدیده‌ای منظرین در جامعه امروز. *باغ نظر (۱۳)*: ۳۹-۴۴. [http://www.bagh-sj.com/article\\_14940\\_95df96dd0b81605458f1de883c0a2a14.pdf](http://www.bagh-sj.com/article_14940_95df96dd0b81605458f1de883c0a2a14.pdf)
- کالن، گوردون. ۱۹۱۴. *گزیده منظر شهری*. ترجمه منوچهر طیبیان. ۱۳۹۲. تهران: دانشگاه تهران. مؤسسه انتشارات و چاپ.
- کامیاب، جمال، گروه علمی تهیه و نظارت سیدرضا مرتضایی، اعظم عابد ابیانه، مشاور مؤسسه چشم‌انداز. ۱۳۹۲. *زیبایی‌شناسی و شهر*. تهران: هنر معماری قرن.
- کریمی‌مشاور، مهرداد. ۱۳۹۲. رویکردها و روش‌ها در زیباشناسی شهری. *باغ نظر (۱۰)*: ۴۷-۵۶. [http://www.bagh-sj.com/article\\_2693\\_574cbbdaaa88f2f812766c00c9685821.pdf](http://www.bagh-sj.com/article_2693_574cbbdaaa88f2f812766c00c9685821.pdf)
- کفشچیان مقدم، علی‌اصغر. ۱۳۹۷. *جایگاه دیوارنگاری در منظر شهری*. تهران: سازمان زیباسازی شهر تهران.
- لینچ، کوین. ۱۹۱۸. *سیمای شهر*. ترجمه منوچهر مزینی. ۱۳۷۷. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مثنوی، محمدرضا، مریم محسنی‌مقدم، و سیدامیر منصوری. ۱۳۹۷. نقش زیباشناسی باغ ایرانی در پایداری اجتماعی پارک‌های معاصر تهران. *منظر (۱۰)*: ۴۵-۶: ۱۵-۶. <https://doi.org/10.22034/MANZAR.2018.80487>
- منصوری، مریم‌السادات. ۱۳۹۴. زیبایی‌شناسی فضای جمعی. *ارزیابی زیبایی در سه فضای شهر تهران*. *منظر (۷)*: ۳۰-۶۲: ۶۹-۶۲. [http://www.manzar-sj.com/article\\_10539\\_711b84759edf793c78bdc25693db17c2.pdf](http://www.manzar-sj.com/article_10539_711b84759edf793c78bdc25693db17c2.pdf)
- Berque, Augustin. 2000. *Écoumène, introduction à l'étude des milieux humains*. Paris: Belin.
- Berque, Augustin. 1994. *Cinq propositions pour une théorie du paysage*. Paris: Seyssel. Champ Vallon.
- Bouchier, Martine. 2010. Art et esthétique des territoires. *Cahiers thématiques* 9: 23-34.
- Dewey, John. 1989. Art as Experience. *The Later Works of John Dewey*, edited by Jo Ann Boydston. Carbondale: South Illinois University Press.
- Cullen, Gordon. 1961. *The Concise Townscape*. New York: Architectural Press.
- Jaussely, Léon. 1930. *L'étude pratique des plans de villes, Introduction à l'art de dessiner les plans d'aménagement et d'extension*. Paris: Librairie centrale des Beaux-Arts.
- Lynch, Kevin. 1960. *The Image of the City*. Cambridge MA: MIT Press.
- Rimbert, Sylvie. 1974. *Les paysages urbains*. Paris: Armand Colin.
- Sanson, Pascal. 2007. *Le paysage urbain, représentations, significations, communication*. Paris: Harmattan.

## نحوه ارجاع به این مقاله

منصوری، مریم‌السادات، و پریسا شاد قزوینی. ۱۴۰۱. تجربه زیبایی‌شناسی هنر شهری، تحلیل چهار تجربه در شهر تهران بر اساس نظریه اعتباربخشی جان دیتویی. *نشریه معماری و شهرسازی آرمان‌شهر* ۱۵(۳۹): ۱۳۹-۱۵۰.

DOI: 10.22034/AAUD.2020.246303.2307

URL: [http://www.armanshahrjournal.com/article\\_158070.html](http://www.armanshahrjournal.com/article_158070.html)



## COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Armanshahr Architecture & Urban Development Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License.

<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>

